

مجله جهانی رسانه - نسخه فارسی
دوره ۱۰، شماره ۱، صفحات ۱۰۶-۸۹
منتشر شده در بهار و تابستان ۱۳۹۴
تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۳/۱
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۵/۲۳

تحلیل روزنامه نگاری عینی بی‌بی‌سی فارسی در عرصه روایتگری: مطالعه موردی جنگ ۵۰ روزه غزه

سید محمدرضا فیاضی

کارشناس ارشد مدیریت رسانه، دانشگاه صدا و سیما، پژوهشگر مرکز پژوهش و سنجش افکار سازمان صدا و سیما

seied.mrf@gmail.com

(نویسنده مسئول)

محمدرضا تقوی پور

کارشناس ارشد مدیریت رسانه، دانشگاه صدا و سیما، پژوهشگر مرکز پژوهش و سنجش افکار سازمان صدا و سیما

taghavipour69@gmail.com

سیاوش صلواتیان

استادیار دانشکده ارتباطات دانشگاه صدا و سیما

salavatian@gmail.com



نسخه فارسی مجله جهانی رسانه

مجله علمی - پژوهشی الکترونیک در حوزه ارتباطات و رسانه
منتشر شده توسط دانشکده علوم اجتماعی - دانشگاه تهران

www.gmj.ut.ac.ir

چکیده: مقاله پژوهشی حاضر، تلاشی برای تشخیص مختصات چارچوب‌گذاری شبکه خبری بی‌بی‌سی فارسی از جنگ ۵۰ روزه میان غزه و اسرائیل است. هدف مقاله این است که نشان بدهد آیا شبکه بی‌بی‌سی فارسی اصل روزنامه نگاری عینی که یکی از اصول بین‌المللی اخلاق حرفه‌ای در عرصه روزنامه نگاری است، را در بازتاب جنگ ۵۰ روزه رعایت و یا نقض کرده است. برای توصیف عینی پیام‌های این شبکه از روش تحلیل محتوای کمی استفاده شده است و جامعه آماری این پژوهش را برنامه خبری روزانه شبکه بی‌بی‌سی فارسی از تاریخ ۳ ام جولای تا ۲۷ ام آگوست سال ۲۰۱۴ میلادی یعنی تاریخ آغاز و پایان درگیری تشکیل می‌دهد. همچنین به‌منظور افزایش اعتبار یافته‌ها به‌جای نمونه‌گیری، از تمام شماری جامعه آماری استفاده شده است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که شبکه خبری بی‌بی‌سی ضمن تلاش برای حفظ اعتماد مخاطبان، با تأیید و تقویت ایده مذاکره تحت هر شرایطی و نفی مقاومت، به توجیه بیشتر حملات اسرائیل در قیاس با حملات حماس پرداخته است. بی‌بی‌سی همچنین در کنار صلح‌طلب نشان دادن خود به القاء وجود شکاف میان حماس و مردم غزه می‌پردازد و در عین حال چهره‌ای مقتدر از ارتش اسرائیل به تصویر می‌کشد و به این ترتیب در عرصه روایتگری نوعی سوگیری یا عدم پایبندی به اصل روزنامه نگاری عینی را نشان می‌دهد.

واژگان کلیدی: جنگ ۵۰ روزه، غزه، روزنامه نگاری عینی، بی‌بی‌سی فارسی، حماس، اسرائیل.

مقدمه

هدف این مقاله، تحلیل مختصات روزنامه نگاری عینی در بی‌بی‌سی فارسی در خصوص جنگ غزه است. در جهان امروز با توجه به رشد فناوری‌های ارتباطی، برجستگی و اهمیت رسانه‌ها بیش از پیش مورد توجه قرار گرفته است و در این رویکرد، دیگر رسانه نه تنها به‌عنوان یک وسیله ارتباطی صرف، بلکه ابزاری برای کسب قدرت هستند تا صاحبان رسانه‌های جمعی از طریق در دست گرفتن شریان‌های ارتباطی و ظرفیت بالای اقناع توسط رسانه‌ها، واقعیت‌های روزمره را آن‌گونه روایت کنند که می‌خواهند. به دیگر سخن با نگاهی نسبی در قیاس با گذشته می‌توان گفت که به علت گسترش فراگیری و افزایش ضریب نفوذ رسانه‌ها در زندگی اجتماعی انسان‌ها، ارتباط تنگاتنگ قدرت و رسانه بیش از پیش مورد توجه قرار گرفته است، چراکه دیگر اهمیت حوزه افکار عمومی به‌عنوان یکی از عوامل تعیین‌کننده قدرت و همچنین اثرگذاری رسانه‌ها در حوزه شکل‌دهی افکار عمومی بر کسی پوشیده نیست.

از این منظر تحلیل سپهر رسانه‌ای بین‌المللی، در جهت شناخت عناصر اثرگذار در افکار عمومی جهانی، به‌ویژه در عرصه‌های خبری امری است که لزوم آن غیرقابل‌انکار می‌نماید. شاید بتوان اهمیت حوزه خبر در بین سایر محصولات رسانه‌ای را در این گفته هالستی^۱ یافت که می‌گوید: «تصویر ذهنی مردم از دیگر کشورها، بیش از آنکه محصول تجربه مستقیم باشد، محصول خبر است چراکه اغلب مردم اطلاعی از مسائل خارجی ندارند و در نتیجه نگرش آنان نسبت به کشورهای خارجی به‌ندرت دقیق است» (هالستی، ۱۳۷۲، ص. ۱۰۶). به این ترتیب می‌توان گفت تصویر ذهنی بیشتر مردم عصر ما از رویدادهای بین‌المللی، تحت تأثیر روایتگری شبکه‌های خبری برجسته دنیا قرار دارد.

طرح مساله

در پهنه جغرافیای انسانی، منطقه خاورمیانه هم از نظر جغرافیای سیاسی و هم از نظر شاخص‌هایی چون تراکم جمعیتی، غنای منابع زیرزمینی، غلظت بالای توده‌های اسلامی، مرکزیت موج‌های سیاسی و فراوانی جنبش‌های انقلابی همواره مورد توجه افکار عمومی بین‌المللی بوده است و شاید بتوان گفت یکی از حساس‌ترین کانون‌های تمرکز رسانه‌ای جهان در محدوده کرانه باختری، غزه و اسرائیل قرار دارد. منطقه‌ای که سال‌هاست آبخور درگیری‌های تاریخی بین اعراب و اسرائیل بوده است.

با ذکر این مقدمه، چرایی برجستگی خبر درگیری اخیر ارتش اسرائیل و حماس در سر تیترا قاطبه رسانه‌های خبری جهان بسیار بدیهی خواهد بود. به نظر می‌رسد با توجه به اهمیت این موضوع در بین اخبار مختلف بین‌المللی، تحلیل علمی چگونگی بازتاب این جنگ در شبکه‌های مهم خبری جهان می‌تواند یک نمونه قابل‌تأمل در پژوهش‌های ارتباطی محسوب شود. پژوهشی که می‌تواند با رویکردی علمی به تشخیص رعایت یا نقض یکی از اساسی‌ترین اصول حرفه‌ای روایتگری یعنی روزنامه نگاری عینی بپردازد.

از این‌رو، مقاله حاضر به منظور تشخیص وجود یا فقدان روزنامه نگاری عینی در شبکه خبری بی‌بی‌سی، معطوف به چگونگی اعمال فرایندهای برجسته‌سازی و چارچوب‌بندی موضوعات خبری است. شاید بتوان گفت نتایج حاصل از این مطالعه می‌تواند از جهات مختلف برای فعالان رسانه‌ای داخلی مفید فایده قرار گیرد، چراکه با فرض اطمینان از صحت نتایج به‌دست‌آمده از چنین تحقیقاتی، اولاً می‌توان نتایج حاصل از

توصیف فرایندهای برجسته‌سازی و چارچوب‌گذاری رسانه‌های قدرتمند جهانی را تحت عنوان یک رویه استاندارد به سایر رسانه‌های بین‌المللی تعمیم داد و ثانیاً در رخدادهای محتمل آتی با نگاهی عالمانه چگونگی فعالیت جریان‌های اصلی رسانه‌های جهان را تا حد زیادی پیش‌بینی کرد. مضاف بر این نتایج این پژوهش می‌تواند در تقویت رسانه‌های داخلی از طریق فهم دقیق نقاط ضعف و قوت رسانه‌های پیشرو مؤثر واقع شود. به دیگر سخن، غفلت از انجام و توجه به چنین پژوهش‌هایی در حیطه شناخت رویکرد رسانه‌های پیشرو در مقیاس جهانی، عملاً منجر به نوعی انفعال و صلب قدرت پیش‌بینی خواهد شد.

از میان شبکه‌های مختلفی که در عرصه روایتگری و خبر فعالیت می‌کنند، شبکه بی‌بی‌سی با زیرمجموعه‌های آن، یکی از قدیمی‌ترین و شناخته‌شده‌ترین شبکه‌های خبری محسوب می‌شود که با قدمتی در حدود ۹۲ سال، در قالب‌های مختلف رسانه‌ای چون رادیو، سایت‌های خبری و شبکه‌های کابلی و ماهواره‌ای به ارائه اخبار و تحلیل پیرامون موضوعات مختلف پرداخته است و می‌توان از آن به‌عنوان یکی از تأثیرگذارترین رسانه‌های خبری در عرصه جهانی نام برد. در روند پوشش خبری جنگ ۵۰ روزه غزه در این شبکه، روایتگری بی‌بی‌سی با برخی اعتراضات و اقدامات جهانی همراه شد که در طی آن تظاهرات و تجمعاتی در برابر ساختمان این رسانه اتفاق افتاد و در نهایت به امضای بیانیه‌ای اعتراضی علیه روند روایتگری بی‌بی‌سی پیرامون جنگ غزه منجر شد که امضای افرادی چون نوام چامسکی^۲، جان پیلگر^۳، کن لوچ^۴، برایان اینو^۵ و جرمی هاردیدر^۶ در این بیانیه قابل توجه است. در این مقاله قصد داریم تا چارچوب‌بندی شبکه بی‌بی‌سی فارسی از جنگ ۵۰ روزه غزه را تحلیل کنیم. لازم به ذکر است که شبکه بی‌بی‌سی فارسی پس از شبکه‌های انگلیسی و عربی، به‌عنوان سومین زبان تحت پوشش بی‌بی‌سی در سال ۲۰۰۹ راه‌اندازی شد. بنابراین از میان رسانه‌های خبری پیشرو، شبکه بی‌بی‌سی فارسی با توجه به رویکرد حرفه‌ای در عرصه روایتگری برگزیده شده است تا به تحلیل کمی مقولات طرح شده در پوشش و چارچوب‌بندی یکی از مهم‌ترین رویدادهای رسانه‌ای جهان در چند سال گذشته بپردازیم. در این مسیر، جنگ ۵۰ روزه غزه به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین جریان‌های خبری جهان مورد توجه ما قرار گرفته است تا با بهره‌گیری از روش تحلیل محتوا بتوانیم پایبندی بی‌بی‌سی به اصل روزنامه نگاری عینی و چارچوب‌گذاری این شبکه از جنگ ۵۰ روزه غزه را مشخص کنیم.

ملاحظات نظری در تبیین روزنامه نگاری عینی در جنگ غزه

در سال‌های اخیر، مفهوم «شکل‌گیری واقعیت اجتماعی» به‌عنوان یکی از مهم‌ترین آثار اجتماعی پیام‌های ارتباطی، مورد توجه جدی پژوهشگران علوم ارتباطات قرار گرفته است. در واقع پرسش این نیست که پیام‌های ارتباطی چگونه بر نگرش‌ها، اعتقادات، باورها و رفتارهای مخاطبان تأثیر می‌گذارد، بلکه این است که رسانه‌ها چه کمکی به تبیین مخاطبان از محیط اطراف خود می‌کنند. فرض بر این است که رسانه‌ها می‌توانند با برجسته‌سازی و تأکید انتخابی خود بر ارزش‌ها، هنجارها و رویدادهای گوناگون، به شکل‌گیری ادراکات ما از محیط اطراف کمک کنند. پژوهش‌هایی که در زمینه‌ی برجسته‌سازی پیام‌های خبری انجام شده‌اند، تایید می‌کنند که رسانه‌ها با تأکید و برجسته‌سازی خبرها و موضوعات مختلف، اولویت‌های ذهنی مخاطبان را شکل می‌دهند (بدیعی، ۱۳۷۷، ص. ۲۳). این موضوع در کارکردهایی که لاسول^۷ برای

رسانه‌های جمعی برشمرده نیز مورد توجه واقع شده است. او نظارت و هماهنگی را دو کارکرد اصلی رسانه‌ها می‌داند و از نگاه او، کارکرد نظارت، همان دروازه‌بانی و کارکرد هماهنگی، همان برجسته‌سازی است (دیرینگ^۱ و راجرز^۲، ۱۹۲۲، ص. ۱۱).

مک کامبز^۱ و شاو^{۱۱}، نخستین مطالعه نظام‌مند در مورد فرضیه برجسته‌سازی را در مبارزات ریاست جمهوری سال ۱۹۶۸، مورد مطالعه قرار دادند و یافته‌هایشان اثر برجسته‌سازی را تأیید کردند. براساس نتایج مطالعه آنها، میان تأکید رسانه بر یک موضوع و درک رأی‌دهندگان از آن، همبستگی ۹۶ درصدی برقرار بود. همچنین داده‌ها نشان می‌دهد که رابطه‌ای بسیار قوی میان تأکید رسانه‌ها بر موضوعات مختلف مبارزه سیاسی و قضاوت رأی‌دهندگان در مورد برجستگی و اهمیت موضوعات مختلف برقرار است.

پژوهشگر دیگری به نام فانکاورز^{۱۲} نیز به شناخت رابطه میان پوشش خبری و درک عموم از اهمیت موضوعات پرداخت و نشان داد که ارتباط شدیدی میان رتبه‌بندی عمومی از یک موضوع به‌عنوان موضوع مهم و میزان پوشش رسانه‌ای وجود دارد (سورین^{۱۳} و تانکارد^{۱۴}، ۱۳۸۶، ص. ۲۷).

یکی از راه‌های برجسته‌سازی اخبار، پخش آن در اولویت بالا یا در زمان‌های آغازین خبرهای تلویزیونی است. در چنین خبری، نوع رسانه نیز مهم است برای مثال، رسانه‌های محلی به اخبار مربوط به یک منطقه توجه بیشتری دارند و برحسب منطقه خبرها را اولویت‌بندی می‌کنند. در رسانه‌های محلی توجه بیشتری به موضوع فراوانی، جمعیت و مسائلی از این قبیل می‌شود اما در سطح ملی و در رسانه‌هایی با پوشش وسیع‌تر موضوعات جهانی حتی می‌تواند در اولویت خبری قرار گیرد (ندرلو، ۱۳۸۶، ص. ۳).

به گفته مک کامبز، هر یک از موضوعاتی که در اولویت قرار می‌گیرند، «خصیصه‌های بسیاری دارند» یعنی ویژگی‌هایی که تصویر هر موضوع را نمایش می‌دهد. وقتی موضوعات از نظر اهمیت و برجستگی تغییر می‌یابند، صفات هر یک از آنها نیز تغییر می‌یابد (شیافر^{۱۵}، ۲۰۰۷، ص. ۲۲) و به رسانه این امکان را می‌دهد که به مخاطبان بگوید درباره چه فکر کنند نه اینکه چگونه فکر کنند، اما سطح دیگری در برجسته‌سازی وجود دارد که نه‌تنها به مخاطب می‌گوید که درباره چه فکر کند بلکه چگونگی فکر کردن مخاطب را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد (مک کامبز و رینولدز^{۱۶}، ۲۰۰۴، ص. ۱۰۳) و آن چارچوب بندی یا قاب‌بندی نامیده می‌شود.

بر این اساس رسانه ممکن است راهی برای گریز از انتشار خبر نداشته باشد و گاهی با توجه به برجسته‌سازی‌های سایر رسانه‌ها، مجبور به پوشش یک رویداد شود تا اعتبار خود را از دست ندهد اما با استفاده از چارچوب‌بندی هدفمند به مخاطب می‌گوید «آن‌طور که من می‌خواهم درباره این موضوع فکر کن».

مک کامبز، چارچوب‌بندی را نسخه پالایش‌شده برجسته‌سازی می‌داند. از این دیدگاه، چارچوب‌بندی به معنای برجسته ساختن برخی جنبه‌های یک موضوع از طریق شیوه‌های مختلف ارائه موضوع و در نتیجه تغییر رفتارهای مردم در قبال آن است. او این پدیده را سطح دوم برجسته‌سازی می‌داند (شوئفل^{۱۷} و تیوکسبری^{۱۸}، ۲۰۰۷، ص. ۱۵).

فرضیه اصلی مربوط به چارچوب‌بندی می‌گوید که رسانه خبری بر اهمیت صفات، جنبه‌ها یا ویژگی‌های موضوع در ذهن عموم تأکید می‌کند. برای مثال، در پوشش رسانه‌ای یک نامزد انتخاباتی، خصوصیات این

فرد مانند تواضع مورد توجه قرار می‌گیرد و این پرسش مطرح می‌شود که چرا برخی از ویژگی‌های این نامزد انتخاباتی بیان می‌شود اما در مورد نامزد دیگر، به چنین ویژگی‌هایی پرداخته نمی‌شود. این پرسش را می‌توان به سایر رویدادهای سیاسی، به‌ویژه رویدادهای بین‌المللی نیز تعمیم داد و پرسید چرا برخی از رسانه‌ها تنها به بعضی از ویژگی‌های یک رویداد اشاره می‌کنند و ویژگی‌های دیگر آن را به اطلاع مخاطب نمی‌رسانند؟

انتمن^{۱۹}، تأکید کرد که چارچوب‌ها برای جلب توجه افراد، به برخی عناصر و توجه نکردن به برخی عناصر دیگر به کار می‌روند. او همچنین بر این باور است که «شیوه چارچوب‌بندی یک موضوع باید مشخص کند مردم چگونه می‌توانند موضوعی را درک و ارزیابی کنند» (انتمن، ۱۳۹۳، ص. ۵۸-۵۱). در گزارش‌های خبری و نرم‌خبرها این چارچوب‌ها بیشتر مشاهده می‌شود. لحن گفتار و تصاویر در اخبار و گزارش‌های تلویزیونی از مصادیق بارز چارچوب‌بندی به شمار می‌روند. اما چارچوب‌بندی در واقع دو مرحله بعد از دروازه‌بانی است به‌گونه‌ای که نخست، دروازه‌بان درباره پخش شدن یا نشدن یک رویداد تصمیم می‌گیرد و اگر پخش خبر تأیید شد، درباره برجسته شدن یا نشدن موضوع و سرانجام برجسته شدن یا نشدن برخی جنبه‌های آن تصمیم‌گیری می‌شود. مک‌کامبز و قائم^{۲۰} (۲۰۰۳، ص. ۸۲-۶۷)، دو گروه کلی از صفات را در سطح دوم برجسته‌سازی معرفی می‌کند: صفات شناختی یا ذاتی و صفات عاطفی یا ارزشی. صفات شناختی به توصیف و تعریف موضوع در رسانه مربوط می‌شوند، درحالی‌که صفات عاطفی، به لحن رسانه برای ارائه موضوع و ارزش‌گذاری آن (مثبت، منفی یا خنثی) اختصاص دارند. تفاوت ظاهری بین این نوع صفات همیشه واضح و روشن نیست (شیفر^{۲۱}، ۲۰۰۷، ص. ۲۳). البته منبع، نقش مهمی در چارچوب‌بندی ایفا می‌کند و هر چه قوی‌تر باشد، بهتر می‌تواند جریان اطلاعات را کنترل کند، همچنان که صفات ارزشی به کار رفته در آن نیز بیشتر مخاطب را اقناع می‌کنند. اما این مباحث موضوع دستکاری واقعیت را به ذهن متبادر می‌سازند که با اصل عینیت در روزنامه‌نگاری منافات دارد.

عینیت در روایتگری یا روزنامه‌نگاری عینی یکی از اصولی است که بر مبنای آن خبر باید فارغ از جهت‌گیری‌ها و موضع‌گیری‌های خاص و با استناد به واقعیت‌های عینی یک رویداد، نقل و بیان شود. به‌بیان دیگر عدم وجود دخل و تصرف‌هایی که به هر روشی موجب تحریف واقعیت یا قلب آن شود از مواردی است که در اخلاق حرفه‌ای خبرنگاری مورد توجه واقع شده تا خبر بدون جهت‌گیری و به‌صورت عینی به دست مخاطبان برسد. روزنامه‌نگاری عینی به‌قدری دارای اهمیت است که در اصل دوم اصول حرفه‌ای خبرنگاری بین‌المللی به‌عنوان اصلی مجزا مورد توجه واقع شده و بیان می‌کند که «خبرنگار باید وقف واقعیات عینی باشد» (اتیکنت^{۲۲}، ۲۰۱۵). وب‌سایت شبکه بی‌بی‌سی نیز در بخش آکادمی بی‌بی‌سی و مدرسه روزنامه‌نگاری، اصول اخلاقی و ارزشی این شبکه را معرفی کرده است. به‌عنوان مثال بی‌بی‌سی به‌وضوح اذعان می‌کند «روزنامه‌نگاران بی‌بی‌سی موظف به رعایت اصل بی‌طرفی هستند. بی‌بی‌سی نمی‌تواند آگاهانه یا ناآگاهانه نگاه مشخصی به حوادث جهان داشته باشد یا با موضوع‌های جنجالی تنها از یک طرف برخورد کند» همچنین «قوانین بریتانیا، بی‌بی‌سی و روزنامه‌نگاران آن را موظف می‌سازد که بی‌طرف باشند. بی‌طرفی یک معیار ارزشی و درعین حال یک ضرورت حرفه‌ای و قانونی است که بی‌بی‌سی را از سایر رسانه‌ها

و منابع خبری متمایز می‌سازد. در عین حال بی‌طرفی بخشی از پیمان بی‌بی‌سی با مخاطبان است» (وبسایت بی‌بی‌سی، بیتا).

واقعیت این است که تصور ما از جهان تصویری مستقیم نیست. ما از بسیاری از وقایع تجربه دست اولی نداریم، بلکه از طریق فرآورده‌های رسانه‌های جمعی از آنها آگاه می‌شویم. نه تنها متن خبری، بلکه حتی دوربین هم نمی‌تواند واقعه‌ای را کاملاً بی‌طرفانه برای ما روایت کند. از این جهت، آنچه که سازمان‌های رسانه‌ای پخش و توزیع می‌کنند، می‌تواند با دیدگاه حاکم بر آن سازمان، متناسب و هماهنگ باشد. به نظر می‌رسد که روایت‌های خبری از ساختار ویژه‌ای تبعیت می‌کنند که متناسب با فهم و منافع کارگزاران هر رسانه خاص شکل گرفته است. از یک‌سو، این عادت (و بلکه اعتیاد) مخاطبان و از سوی دیگر تلاش کارگزاران رسانه‌ای است که سبب ترویج و تداوم بازتولید این ساختارها می‌شود.

لورل ریچاردسون^{۲۳} معتقد است که روایت «شیوه اصلی سامان دادن به سلسله اتفاقاتی است که پیرامون ما اتفاق می‌افتد. ما از طریق تنظیم این اتفاقات بر اساس اهمیت زمانی آن‌هاست که تجربه خود را از آن‌ها معنادار می‌کنیم. روایت هم شیوه استدلال و هم شیوه بازنمایی است» (ریچاردسون، ۱۹۹۰). از این دیدگاه ما هم می‌توانیم از دریچه روایت دنیا را «دریابیم» و هم می‌توانیم دریافت خود را از آن «بازنماییم». جروم برونر^{۲۴} هم استدلال روایی را یکی از دو شیوه بنیادین و عام شناخت عقلی می‌داند. او «استدلال روایی» و «استدلال منطقی - علمی» را از هم تفکیک می‌کند و معتقد است که در شیوه روایی، توضیح رخدادها در بافت و در درون متن شیوه روایی جای دارد و حقیقت در پیوند و بین اجزای همان واقعه جستجو می‌شود، در حالی که در شیوه علمی - منطقی، حقیقت عام از طریق فاصله گرفتن از واقعیت‌های جاری به دست می‌آید (گیویان، ۱۳۸۵).

با تکه‌تکه کردن، به هم پیوستن و تنظیم‌های مکرر جزئیات است که یک رسانه رخدادهای مجزا را به هم پیوند می‌دهد و آن‌ها را در قالب یک روایت تدوین می‌کند. این روایت حلقه‌ای از سلسله روایت‌هایی است که رخدادهای گوناگون را برای مخاطبان بازنمایی می‌کنند. مجموعه این سلسله روایت‌ها تصور ذهنی ما را از جهان پیرامونمان شکل می‌دهد. این جهان تصویری به کمک بازنمایی‌هایی که دنیای رسانه‌ای شده را می‌سازد، انگاره‌های ذهنی‌ای برای انسان معاصر خلق می‌کند تا بتواند با محیط پیرامون خود مواجه شود و احساس کند آن را می‌شناسد. این بدان معناست که این رسانه‌ها و فرآورده‌های آن‌هاست که مرزهای سپهر زیستی و دامنه‌های قلمروهای معنایی ما را تعیین می‌کنند. بر این اساس است که گفته می‌شود این جهان، جهانی رسانه‌ای است.

جهان رسانه‌ای بی‌بی‌سی مورد توجه پژوهشگران زیادی بوده است. پژوهش‌های گوناگونی در رابطه با نحوه پوشش درگیری‌های منطقه‌ای، در بخش فارسی موسسه بی‌بی‌سی انجام شده که بیشتر معطوف به سایت خبری این بنگاه سخن‌پراکنی است و کمتر به محتوای شبکه تلویزیونی بی‌بی‌سی پرداخته است ولی مطالعات زیادی مشابه پژوهش حاضر، روش تحلیل محتوا را برای انجام تحلیل‌هایشان به کار برده‌اند که در ادامه توضیح داده می‌شود.

ملاحظات روش شناسی

هدف اصلی این پژوهش، «توصیف دقیق، عینی و کمی» نحوه چارچوب‌بندی شبکه بی‌بی‌سی فارسی از جنگ ۵۰ روزه غزه است و از آنجایی که روش تحلیل محتوا یک فن تحقیقاتی به‌منظور توصیف عینی، نظام‌مند و کمی از محتوای آشکار ارتباطات است (برلسون^{۲۵}، ۱۹۵۲، ص. ۱۸) این روش مورد استفاده واقع شده است.

جامعه آماری این پژوهش را کامل‌ترین برنامه خبری روزانه شبکه بی‌بی‌سی فارسی از تاریخ دوازدهم تیر ماه تا پنجم شهریور ماه سال ۱۳۹۳ یا به‌عبارت‌دیگر تاریخ آغاز و پایان درگیری تشکیل می‌دهد. لازم به ذکر است که از این میان بخش‌های مختلف خبری این شبکه، روزهای شنبه تا چهارشنبه، برنامه شصت دقیقه ساعت بیست و دو و در روزهای پنج‌شنبه و جمعه بخش خبری ساعت ۱۷ به‌عنوان کامل‌ترین بخش خبری این شبکه در نظر گرفته شده‌اند. واحد تحلیل پژوهش حاضر، به‌صورت یک واحد خبری در نظر گرفته شده است که در اغلب موارد شامل گزارش و گفتگو نیز می‌باشد. همچنین با هدف عینی و جامع بودن تحقیق، تمامی ۶۰ عنوان خبر مرتبط با جنگ غزه در این بازه زمانی تمام شماری و تحلیل شده است. در این پژوهش با هدف سنجش پایایی کدگذاری‌های انجام شده، از ضریب پای اسکات استفاده شد. نتایج این آزمون نشان می‌دهد که به‌جز در موارد «توجیهات اسرائیل برای ادامه جنگ» و «اقدامات جهانی»، ۱۵ مقوله دیگر دارای سطح بالایی از اعتبار هستند.

تعریف عملیاتی متغیرها

تعریف عملی مفاهیم در واقع همان تعریف عملیاتی متغیرهای تحقیق است و «متغیر مفهومی است که بیش از دو یا چند ارزش یا عدد به آن اختصاص داده می‌شود، به‌عبارت‌دیگر متغیر به ویژگی‌هایی اطلاق می‌شود که می‌توان آن‌ها را مشاهده یا اندازه‌گیری کرد و یا چند ارزش یا عدد را جایگزین آن نمود» (دلاور، ۱۳۸۵، ص. ۵۸). بنابراین در تعریف عملی «واژه یا متغیرهای یک گفتار از صورت عام خود به‌صورت خاص یعنی به‌صورت امور واقع قابل مشاهده و مطالعه عملی برگردانیده می‌شوند» (رفیع پور، ۱۳۷۲، ص. ۱۵۶). با توجه به ماهیت این پژوهش که دارای رویکرد توصیفی می‌باشد، روند کاری ما به‌گونه‌ای بوده است که تنظیم تعاریف عملیاتی پس پایان کدگذاری، اصلاحات و تعدیلات لازم انجام شده است. همچنین پیش از مقوله‌بندی جدول کدگذاری‌ها، تعدادی از برنامه‌ها به‌صورت تصادفی بازبینی و بازسنوی شد تا متغیرهای اصلی به‌صورت پیش‌فرض از برنامه‌ها استخراج شوند و این روند تا پایان مرحله کدگذاری با اصلاحات و ایجاد انسجام بیشتر همراه شد. بر همین اساس تعاریف عملیاتی این پژوهش به‌صورت زیر ارائه می‌شود.

الف) متغیرهای توصیفی قالبی:

۱. مدت‌زمان:

منظور از این متغیر توصیف مدت زمان اختصاص یافته به هر یک از واحدهای تحلیل می‌باشد که به‌صورت مدت زمان بر حسب ثانیه ذکر شده است و می‌تواند در شکل‌گیری نگاه کلی ما نسبت به میزان اهمیت این سوژه از نگاه شبکه بی‌بی‌سی فارسی مفید واقع شود.

۲. قالب ارائه خبر:

در این متغیر تلاش شده است تا قالب خبری ارائه شده در هر واحد تحلیل در زیرمجموعه‌هایی تحت عناوین خبر، مصاحبه، ترکیب خبر و گزارش، ترکیب خبر و مصاحبه و ترکیب خبر، گزارش و مصاحبه تفکیک و به صورت کمی توصیف شود.

۳. تعداد نقل قول‌ها:

هدف از ارائه این مطلب مشخص نمودن تعداد نقل قول‌های طرح شده از مقامات دو طرف درگیری بوده است که به صورت یک متغیر ترتیبی، مجموع این تعداد نقل قول‌ها در کل شماری واحدهای تحلیل به دست می‌آید.

ب) متغیرهای توصیفی محتوایی:

۱. اشاره به اسرائیل به عنوان شروع کننده جنگ:

این متغیر به منظور تحلیل وجود یا فقدان اشاره به آغازکننده جنگ در چارچوب بندی اخبار شبکه بی‌بی‌سی طراحی شده است و شامل دو زیر مقوله وجود یا عدم وجود اشاره به آغازکننده جنگ می‌باشد. لازم به یادآوری است که با توجه به قطعیت آغاز جنگ توسط اسرائیل، اشاره یا عدم اشاره رسانه‌ها به منشا آغازین این جنگ می‌تواند در روند کلی چارچوب بندی و ارائه گزارش‌های بی طرفانه، بسیار تأثیرگذار باشد.

۲. اشاره به دلایل آغاز جنگ توسط اسرائیل:

در این مقوله به وجود یا فقدان اشاره به دلایل آغاز جنگ توسط اسرائیل پرداخته‌ایم. وجود یا فقدان اشاره به این مطلب زیرمقولات پژوهش را تشکیل داده‌اند.

۳. توجیه ادامه جنگ:

در این متغیر در پی مطالعه دلایلی بوده‌ایم که علت اصلی ادامه جنگ را از نگاه شبکه بی‌بی‌سی توجیه می‌کند. زیرمقولات ما شامل توجیه ادامه جنگ به نفع اسرائیل، توجیه ادامه جنگ به نفع حماس، توجیه ادامه جنگ به نفع دو طرف درگیری و عدم اشاره به دلایل ادامه جنگ هستند.

۴. دلایل اسرائیل برای ادامه جنگ:

این متغیر در واقع زیر مقوله متغیر توجیهات ادامه جنگ می‌باشد و هدف از آن تحلیل کمی مجموعه توجیهات اسرائیل برای ادامه جنگ است که توسط شبکه بی‌بی‌سی اعلام شده است. زیرمقولات این متغیر عبارت‌اند از؛ خلع سلاح حماس، تخریب تونل‌ها، سوء استفاده حماس از سپر انسانی و پاسخ به راکت‌اندازی‌های حماس و تخریب مراکز نظامی و نظامیان حماس.

۵. دلایل حماس برای ادامه جنگ:

این متغیر نیز زیر مقوله متغیر توجیهات ادامه جنگ می‌باشد و خود دارای این زیرمقولات است: رفع محاصره کامل غزه، پایبندی کامل اسرائیل به موافقت‌نامه‌های صلح، پاسخ به حملات اسرائیل.

۶. تقدم زمانی در اعلام حمله کننده:

در این متغیر به دنبال یافتن تقدم زمانی اعلام حمله در رویکرد روایت‌گری شبکه بی‌بی‌سی هستیم که زیرمقولات آن شامل اسرائیل، حماس و عدم اشاره به تقدم زمانی است.

۷. توجیه مقطعی حملات به نفع طرفین:

این متغیر در واقع به دنبال کشف تقدم علی روایتگری شبکه بی‌بی‌سی است. اینکه خبر درگیری طرفین دارای سوگیری به سمت اسرائیل می‌باشد یا حماس و یا هر دوی آن‌ها، زیرمقولات ما را تشکیل داده است.

۸. اشاره به آسیب‌های نظامی:

مقایسه میزان کمی اشاره شبکه بی‌بی‌سی به تلفات نظامی اسرائیل و حماس متغیر دیگری است که کدگذاری شده است. زیرمقولات این متغیر عبارت‌اند از آسیب‌های نظامی اسرائیل، آسیب‌های نظامی حماس، هردو، و هیچ‌کدام.

۹. اشاره به آسیب‌های غیرنظامی:

این متغیر نیز میزان کمی اشاره شبکه بی‌بی‌سی به آسیب‌های غیر نظامیان را در قالب سه زیرمقوله آسیب‌های غیرنظامی اسرائیل، آسیب‌های غیرنظامی حماس، آسیب‌های غیرنظامی دو طرف و هیچ‌کدام مطالعه می‌کند.

۱۰. اشاره به مظاهر قدرت اسرائیل:

این مقوله پس از مشاهده و بازبینی تعدادی از واحدهای تحلیل به جمع موارد کدگذاری اضافه شد چراکه برجستگی قدرت اسرائیل در بین گزارش‌های درگیری دو طرف از فراوانی بالایی برخوردار بود که همین مطلب می‌تواند دارای بار معنایی خاصی باشد. زیرمقولات این تعریف عبارت‌اند از: حمایت قدرت‌های جهانی از اسرائیل، گنبد آهنی، قدرت نظامی اسرائیل و عدم اشاره به این مطلب.

۱۱. اشاره به لزوم مذاکرات:

این مقوله به صورت وجود یا فقدان، اشاره به ضرورت مذاکره و صلح دارد و تلاش می‌کند تا توصیفی از میزان پرداخت شبکه بی‌بی‌سی به این مسئله را نمایش دهد.

۱۲. اقدامات جهانی:

بخشی از ترکیب روایتگری شبکه بی‌بی‌سی پیرامون درگیری اسرائیل و حماس همواره به موضوع اعتراضات و اقدامات جهانی علیه این درگیری اختصاص داشت. مقوله فوق در تلاش است تا چگونگی توزیع این اقدامات را علیه اسرائیل، علیه حماس، علیه کلیت جنگ و درگیری را توصیف کند تا ما را در قضاوت نسبت به کلیت رعایت اصل روزنامه نگاری عینی در عرصه روایتگری شبکه بی‌بی‌سی یاری کند.

یافته‌های پژوهش

یافته‌ها را بر اساس مولفه‌های زیر مورد ارزیابی قرار می‌دهیم.

زمان:

از میان متغیرهای توصیفی قالبی، نتایج حاصل از کدگذاری حاکی از آن است که در مجموع مدت زمان اختصاص یافته به اخبار مرتبط با جنگ پنجاه‌روزه غزه چیزی حدود ۴۵۱ دقیقه می‌باشد. لازم به ذکر است این مدت زمانی از میان بخش‌های خبری یک‌ساعته شبکه بی‌بی‌سی فارسی در طی این پنجاه روز چیزی حدود هفده درصد از زمان بخش‌های خبری این شبکه را به خود اختصاص داده است که در نوع خود قابل توجه است.

قالب ارائه خبر:

از میان سبک‌های مختلف خبری، ترکیب خبر، گزارش و مصاحبه با درصد فراوانی حدود ۵۷ درصد، بیش‌ترین کاربرد را در پوشش اخبار مرتبط با جنگ ۵۰ روزه غزه داشته است و پس از آن ترکیب خبر و گزارش با ۲۸ درصد فراوانی نسبی، بیش از سایر سبک‌های ارائه خبر مورد استفاده قرار گرفته است.

تعداد نقل‌قول‌ها:

این مقوله در پی کدگذاری تعداد نقل‌قول‌های مقامات اسرائیلی و مقامات حماس در چارچوب روایتگری بی‌بی‌سی می‌باشد. نتایج کدگذاری نشان می‌دهد که در شصت واحد تحلیل این پژوهش، تعداد نقل‌قول‌های مقامات اسرائیل ۱۰۶ مورد و تعداد نقل‌قول‌های طرح‌شده از مقامات حماس مجموعاً ۴۸ مورد می‌باشد. بنابراین به نظر می‌رسد بی‌بی‌سی فارسی از حیث میزان پرداخت به نقل‌قول‌های مقامات اسرائیل و حماس دارای سوگیری به نفع اسرائیل بوده است.

اشاره به اسرائیل به‌عنوان آغازگر جنگ:

با توجه به قطعیت این گزاره که درگیری اسرائیل و حماس توسط رژیم صهیونیستی آغاز شد، اشاره یا عدم اشاره شبکه‌های خبری به این مطلب می‌تواند در روند کلی چارچوب‌بندی و ارائه گزارش‌های بی‌طرفانه، بسیار تأثیرگذار باشد. کدگذاری‌های این پژوهش نشان می‌دهند که در بیش از ۹۸ درصد واحدهای تحلیل هیچ‌گونه اشاره‌ای به شروع جنگ توسط اسرائیل نشده است و این مطلب به‌نوعی گویای این حقیقت است که شبکه خبری بی‌بی‌سی با حذف این عامل به‌نوعی دارای سوگیری به سمت اسرائیل بوده است و اصل روزنامه نگاری عینی در اصول حرفه‌ای خبرنگاری بین‌المللی و همچنین اصول اخلاقی و ارزشی مندرج در وبسایت خود را مبنی بر رعایت بی‌طرفی نقض کرده است (نمودار ۱).



نمودار ۱. اشاره به شروع‌کننده جنگ

اشاره به دلایل آغاز جنگ توسط اسرائیل:

با توجه به اینکه نقطه آغاز دور آخر درگیری‌های اسرائیل و حماس با اتهام دست داشتن نیروهای حماس در قتل سه نوجوان اسرائیلی همراه شد، ظاهراً دلیل اصلی آغاز این جنگ از سوی اسرائیل خون‌خواهی سه نوجوان اسرائیلی می‌باشد. با این حال تحلیل آماری این پژوهش نشان داد که در میان پرداختها و چارچوب‌بندی‌های شبکه بی‌بی‌سی، بیش از ۹۸ درصد از موارد، هیچ اشاره‌ای به دلیل اصلی آغاز این جنگ توسط اسرائیل نکرده‌اند. بنابراین نتایج حاصل از این گزاره نیز گویای این واقعیت است که شبکه بی‌بی‌سی از این حیث هم دارای سوگیری به سود اسرائیل بوده است و به تعبیر دیگر به اصل روزنامه نگاری عینی پایبند نبوده است.

توجیه ادامه جنگ:

نتایج حاصل از کدگذاری واحدهای تحلیل، پیرامون اشاره شبکه بی‌بی‌سی به توجیهات طرفین درگیری نشان می‌دهد که در ۷۷ درصد موارد، توجیهات طرفین درگیر جنگ به صورت توأمان ذکر شده و در ۲۳ درصد از واحدهای تحلیل اصلاً به این موضوع پرداخته نشده است. تحلیل‌های آماری حاکی از آن است که از میان واحدهای تحلیلی که به توجیهات ادامه جنگ اشاره دارند، حدود ۶۱ درصد از واحدها به توجیهات جنگ توسط اسرائیل اختصاص دارد و در ۳۵ درصد از واحدها به ذکر توجیهات دو طرف درگیری پرداخته شده است و تنها در ۴ درصد از موارد توجیهات حماس برای ادامه جنگ بدون اشاره به توجیهات اسرائیل برای ادامه جنگ در شبکه بی‌بی‌سی ذکر شده است. بنابراین نتایج نشان می‌دهد که توجه بی‌بی‌سی بیش‌تر به سمت‌وسوی پخش ادله اسرائیل برای شروع جنگ معطوف بوده است تا توجیهات حماس. این یافته نشان می‌دهد که بی‌بی‌سی از حیث پخش توجیهات طرفین درگیری به سود اسرائیل جهت‌گیری مشخصی داشته است که همین امر نشان‌دهنده نقض اصل روزنامه نگاری عینی در حوزه اخلاق بین‌الملل رسانه‌ای است.

توجیهات اسرائیل برای ادامه جنگ:

مطالعه فراوانی توجیهات اسرائیل برای ادامه جنگ حاکی از آن است که در حدود ۷۳ درصد از واحدهای تحلیل به توجیهات اسرائیل پیرامون ادامه جنگ پرداخته‌اند که از میان دلایل مختلفی که در شبکه بی‌بی‌سی به‌عنوان توجیهات ادامه جنگ توسط اسرائیل ارائه شده است، پاسخ به راکت اندازی حماس و از بین بردن مواضع نظامی حماس با ۳۸ درصد فراوانی نسبی بیش‌ترین آمار را دارا می‌باشد و پس از آن اشاره به تخریب تونل‌های حماس، خلع سلاح حماس و پاسخ به سوء استفاده حماس از سپر انسانی به ترتیب با فراوانی‌های ۲۷، ۱۸ و ۱۷ درصدی بیش‌ترین فراوانی را دارند.

توجیهات حماس برای ادامه جنگ:

بر اساس کدگذاری انجام شده در بیش از ۷۱ درصد از واحدهای تحلیل هیچ اشاره‌ای به توجیهات حماس برای ادامه جنگ نشده است و این در حالی است که تحلیل آماری نشان می‌دهد که در ۵۰ درصد از واحدهای تحلیل این پژوهش، اشاره‌هایی پیرامون توجیهات اسرائیل برای ادامه جنگ وجود داشته است.

بنابراین در یک نگاه قیاسی می‌توان با استناد به آمار گفت که پرداخت شبکه بی‌بی‌سی فارسی از نظر پوشش توجیهات طرفین درگیری برای ادامه جنگ، دارای سوگیری به نفع اسرائیل بوده است و اصل روزنامه نگاری عینی را نقض کرده است. همچنین لازم به ذکر است که از میان این بیست و نه درصد واحدهای تحلیل که دارای پرداخت‌هایی به توجیهات حماس برای ادامه جنگ بوده‌اند؛ فراوانی توجیهات حماس در شبکه بی‌بی‌سی به ترتیب فراوانی عبارت‌اند از رفع حصر غزه با ۷۱ درصد فراوانی نسبی، پایبندی اسرائیل به صلح با ۲۴ درصد و پاسخ به حملات اسرائیل با ۵ درصد.

تقدم زمانی در اعلام حمله‌کننده:

این متغیر به دنبال یافتن تقدم زمانی اعلام حمله‌کننده در رویکرد روایت‌گری شبکه بی‌بی‌سی بوده است. به نظر می‌رسد اینکه ابتدا خبر حمله اسرائیل به حماس ذکر شود یا بالعکس می‌تواند دارای بار معنایی خاصی باشد. نتایج حاصل از کدگذاری حاکی از آن است که در ۴۶ درصد موارد بی‌بی‌سی ابتدا خبر حمله اسرائیل را مخابره کرده و در ۴۰ درصد موارد اشاره‌ای به تقدم زمانی در آغاز حملات وجود نداشته است. در ۸ درصد از واحدهای تحلیل حماس به‌عنوان آغازکننده حملات معرفی شده است. بنابراین به نظر می‌رسد این مقوله فرضیه ابتدایی ما را پیرامون سوگیری بی‌بی‌سی به سود اسرائیل را از این حیث تأیید نمی‌کند و درواقع بی‌بی‌سی از این جهت دارای سوگیری به سود اسرائیل نیست و اصل روزنامه نگاری عینی را رعایت کرده است.

توجیه حملات به نفع:

این متغیر درواقع به دنبال کشف تقدم علی روایت‌گری شبکه بی‌بی‌سی بوده است. به عبارتی اینکه خبر درگیری مقطعی طرفین دارای سوگیری به سمت اسرائیل است یا حماس، مورد توجه بوده است. نتایج حاصل از کدگذاری‌ها نشان می‌دهد که در حدود ۵۲ درصد از واحدهای تحلیل توجیه مقطعی حملات صورت گرفته است و در ۴۸ درصد از واحدها اشاره‌ای به توجیهات مقطعی حملات وجود نداشته است. بنابراین محاسبات حاکی از آن است که از ۵۲ درصد واحدهایی که دارای توجیه حملات مقطعی بوده‌اند، در ۷۷ درصد موارد، این توجیهات به سود اسرائیل بوده و در ۲۳ درصد موارد نیز توجیهات دو طرف درگیری را بیان کرده است. اما همان‌طور که مشخص است در هیچ‌یک از موارد ذکر دلایل حملات مقطعی، ذکر توجیهات به حماس اختصاص نیافته است که این مطلب حاکی از آن است که سوگیری در این مقوله به سود اسرائیل و در مرحله بعد به‌نوعی ضدجنگ می‌باشد. بنابراین در این بخش نیز اصل روزنامه نگاری عینی توسط بی‌بی‌سی رعایت نشده است.

اشاره به آسیب‌های نظامی:

نتایج حاصل از کدگذاری حاکی از آن است که در ۳۵ درصد از موارد تحلیل به آسیب‌های نظامی اشاره شده است که از این بین ۵۷ درصد موارد شامل اشاره به آسیب‌های نظامی اسرائیل می‌باشد و ۳۳ درصد

شامل اشاره به آسیب‌های نظامی دو طرف. نکته قابل تأمل در این مقوله فراوانی ۱۰ درصدی اشاره به آسیب‌های نظامی حماس است.

اشاره به آسیب‌های غیرنظامی:

تحلیل‌های آماری نشان می‌دهند که در ۹۰ درصد از واحدهای تحلیل اشاره به آسیب‌های غیرنظامیان طرفین درگیری وجود داشته است که از این بین در حدود ۵۳ درصد اشاره بی‌بی‌سی پیرامون آسیب‌های غیر نظامیان غزه بوده است و در ۳۶ درصد موارد نیز اشاره به آسیب‌های غیر نظامیان دو طرف انجام شده است. نکته قابل تأمل در این مقوله عدم وجود اشاره به آسیب‌های غیرنظامی اسرائیل بدون اشاره به آسیب‌های غیر نظامیان غزه است. این آمار می‌تواند نشان‌دهنده عمق فاجعه انسانی جنگ ۵۰ روزه غزه باشد. بی‌بی‌سی همچنین با نامناسب نشان دادن اوضاع غیرنظامیان فلسطینی، سعی در القای این مطلب داشته است که حماس اهمیتی برای کشته شدن ساکنان غزه قائل نیست چراکه به مذاکره و پایان جنگ تن نمی‌دهد. از منظر دیگر، اشاره بی‌بی‌سی به آمار آسیب‌های نظامی اسرائیل و عدم اشاره به آسیب‌های غیرنظامی آن‌ها از یک‌سو و از طرف دیگر پرداختن به آسیب‌های غیرنظامیان غزه به‌نوعی در راستای جنگ روانی علیه مردم غزه و فرماندهان حماس قرار داشته است تا با برجسته‌سازی آسیب‌های غیرنظامیان غزه، مقاومت حماس و مردم غزه را دچار تردید کند.

اشاره به مظاهر قدرت اسرائیل:

تحلیل‌های آماری نشان می‌دهد که در ۵۹ درصد از واحدهای تحلیل حداقل به یکی از مظاهر قدرت اسرائیل اشاره شده است و این در حالی بوده که اشاره‌ای پیرامون مظاهر قدرت حماس در واحدهای تحلیل مشاهده نشده است. قرار دادن این آمار در کنار مقولاتی مثل اشاره به آسیب‌های غیرنظامیان غزه این نکته را به ذهن متبادر می‌سازد که چارچوب‌بندی شبکه بی‌بی‌سی حتی در زمانی که اخبار جنایت جنگی اسرائیل از این شبکه مخابره می‌شد به‌گونه‌ای بوده است که با اشاره‌ی ۵۹ درصدی به مظاهر قدرت اسرائیل، ابهت نظامی اسرائیل را به ذهن مخاطبان القا نماید و بنابراین بی‌بی‌سی بار دیگر اصول اخلاقی و ارزشی مندرج در وبسایت خود مبنی بر رعایت اصل بی‌طرفی را نقض کرده است.

اشاره به لزوم مذاکرات و صلح:

این مقوله حاکی از آن است که بی‌بی‌سی در ۵۳ درصد از موارد به لزوم مذاکرات و تلاش برای صلح اشاره کرده است تا بدین‌وسیله چهره‌ای صلح‌طلب از خود نمایش دهد. درحالی‌که این شبکه طبق آنچه در بالا ذکر شد در ۹۸,۳ درصد از موارد هیچ‌گونه اشاره‌ای به اسرائیل به‌عنوان آغازگر جنگ نمی‌کند. به نظر می‌رسد شبکه بی‌بی‌سی خواهان وقوع صلح و مذاکره به هر قیمتی آن‌هم بدون اشاره به چرایی آغاز حملات توسط اسرائیل و درواقع در شرایط خلأ می‌باشد تا به هر ترتیبی ایده مذاکره را تأیید و تقویت کند.

اقدامات جهانی:

مطالعه بخش خبری شبکه بی‌بی‌سی حاکی از آن بود که بخشی از ترکیب روایتگری این شبکه همواره به موضوع پوشش خبری اعتراضات و اقدامات جهانی علیه این درگیری اختصاص داشته است. نتایج به‌دست‌آمده نشان می‌دهد که ۵۷ درصد از واحدهای تحلیل به اقدامات جهانی اشاره دارد که از این بین ۶۲ درصد از اعتراضات علیه اسرائیل بوده و ۳۸ درصد به اقدامات علیه جنگ اختصاص داشته است و هیچ واحدی به اقدام علیه حماس بدون اشاره به اقدامات ضدجنگ علیه اسرائیل مشاهده نشده است.

بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به نتایج به‌دست‌آمده از یافته‌های پژوهش، به نظر می‌رسد شبکه تلویزیونی بی‌بی‌سی فارسی برای نمایش جنگ ۵۰ روزه غزه از چارچوبی استفاده کرده که دارای مختصات زیر است:

۱. تعداد نقل‌قول‌های مقامات اسرائیلی بیش از دو برابر میزان نقل‌قول‌های صورت گرفته از سوی مقامات حماس است. به نظر می‌رسد بی‌بی‌سی برای انتقال نظرات مقامات اسرائیلی پوشش خبری گسترده‌تری را لحاظ کرده است تا به‌مثابه یک واسطه منطبق آن‌ها را بیش از طرف فلسطینی به مخاطبان‌ش انتقال دهد.

۲. همان‌طور که ذکر شد بی‌بی‌سی در بیش از ۹۸ درصد از اخبار درگیری‌ها، اشاره‌ای به علت شروع جنگ و معرفی اسرائیل به‌عنوان آغازگر جنگ نکرده است. درحالی‌که این شبکه در ۵۳ درصد از موارد به لزوم مذاکرات و تلاش برای صلح پرداخته است تا بدین‌وسیله چهره‌ای صلح‌طلب از خود نمایش دهد.

۳. همچنین بر اساس این آمار به نظر می‌رسد شبکه بی‌بی‌سی خواهان وقوع صلح در خلأ و تحت هرگونه شرایطی است تا به هر ترتیبی ایده مذاکره را تأیید و تقویت کند و از طرف دیگر به نفی و ایجاد تردید در مقاومت به‌وسیله تأکید بر تلفات غیرنظامی حماس بپردازد.

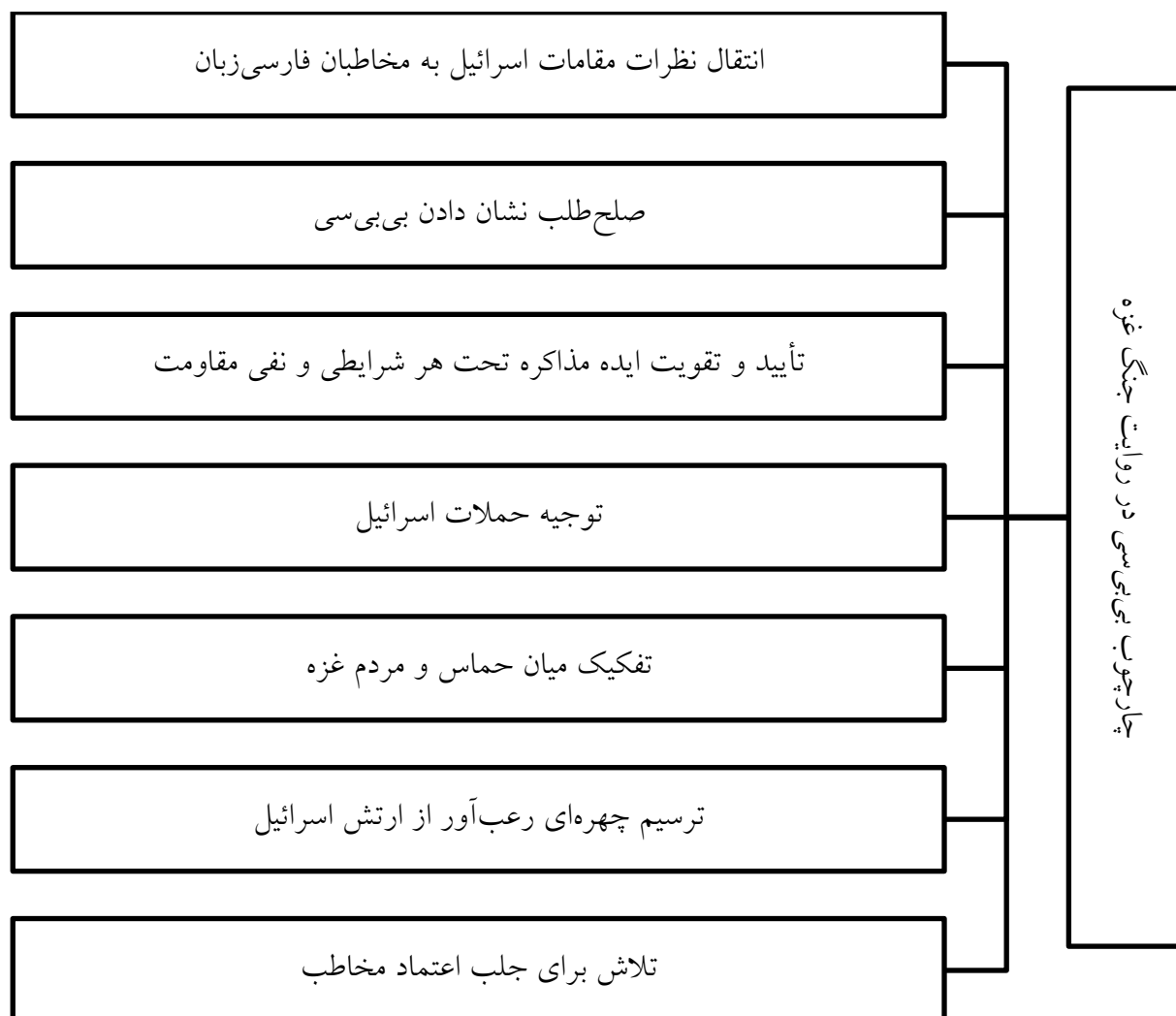
۴. به نظر می‌رسد بی‌بی‌سی با ذکر فراوان توجیهات اسرائیل برای ادامه جنگ در قیاس با آنچه به نفع حماس ذکر کرده، سعی کرده است تا به رفع اتهام از مقامات و ارتش اسرائیل بپردازد و چهره‌ای منطقی از اسرائیل به تصویر بکشد.

۵. بی‌بی‌سی با تکرار فراوان آمار کشته‌شدگان نظامی اسرائیل در کنار آمار قربانیان غیرنظامی غزه سعی می‌کند جنگ را به ضرر مردم غزه نشان دهد و میان مردم غزه و نظامیان حماس فاصله ایجاد کند تا بدین‌وسیله به مدیریت افکار عمومی علیه حماس بپردازد. چراکه طبق القای بی‌بی‌سی، این حماس است که با مقاومت در برابر صلح باعث ادامه جنگ و کشتار مردم غزه است.

۶. به نظر می‌رسد اشاره فراوان بی‌بی‌سی به مظاهر قدرت اسرائیل، با هدف ترسیم چهره‌ای رعب‌آور از قدرت نظامی اسرائیل صورت گرفته باشد که حتی در زمان وارد شدن آسیب‌های نظامی و غیرنظامی به اسرائیل و یا پوشش اخبار اعتراضات جهانی علیه جنایات این رژیم، تأکید بر این مظاهر قدرت به‌نوعی کلیت چارچوب‌گذاری خبر را به سود اسرائیل تغییر داده است.

۷. این شبکه با پوشش فراوان اعتراضات جهانی صورت گرفته علیه اسرائیل سعی کرده تا به سانسور خبری متهم نشود و از این طریق اعتماد مخاطبان‌ش را جلب نماید.

۸. بر اساس تمام موارد طرح‌شده‌ی فوق، به نظر می‌رسد شبکه بی‌بی‌سی فارسی در پوشش خبری جنگ ۵۰ روزه غزه بارها اصل روزنامه نگاری عینی را نقض کرده و در مقوله‌های مختلفی که ذکر شد، دچار سوگیری‌هایی به سود اسرائیل بوده است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت شبکه بی‌بی‌سی نه تنها به اصل دوم از مجموعه اصول حرفه‌ای خبرنگاری؛ تصویب‌شده در چهارمین نشست سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی روزنامه‌نگاران حرفه‌ای پایبند نبوده، بلکه حتی اصول اخلاقی و ارزشی اعلامی خود در وبسایتش را نیز نقض کرده است (شکل ۱).



شکل ۱. چهارچوب‌بندی اخبار جنگ ۵۰ روزه غزه در تلویزیون فارسی بی‌بی‌سی

منابع:

منابع فارسی

- بدیعی، ن. (۱۳۷۷). تحلیل محتوای مطالب ۱۰ روزنامه تهران. فصلنامه رسانه، سال نهم، شماره اول. دلاور، ع. (۱۳۸۶). مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی. تهران: انتشارات رشد. رفیع پور، ف. (۱۳۷۲). کندوکاوها و پنداشته‌ها. تهران: شرکت سهامی انتشار. سورین، و. و تانکارد، ج. (۱۳۸۶). نظریه‌های ارتباطات. ترجمه ع. دهقان، تهران: انتشارات دانشگاه تهران. گونتر، ب. (۱۳۸۴). روش‌های تحقیق رسانه‌ای. ترجمه م نیکو، تهران: اداره کل پژوهش‌های سیما. گیویان، ع. (۱۳۸۵). کار رسانه: واقعیت‌نگاری یا روایت‌گری. بازیابی شده از وبسایت همشهری آنلاین <http://www.hamshahrionline.ir/details/7647>. محمدی مهر، غ. (۱۳۸۹). روش تحلیل محتوا. تهران: گنجینه علوم انسانی. ندلولو، ی. (۱۳۸۶). بررسی چینش اخبار در سیمای جمهوری اسلامی ایران. رساله کارشناسی ارشد، دانشکده صداوسیما. وبسایت خبری بی‌بی‌سی (بی‌تا). اصول اخلاقی و ارزش‌ها. بازیابی از سایت خبری بی‌بی‌سی. <http://www.bbc.co.uk/academy/persian/standards> هالستی، ک. (۱۳۷۲). تبلیغات و جنگ روانی. ترجمه ح. حسینی. تهران: انتشارات دانشگاه امام حسین. هولستی، ا. (۱۳۸۰). تحلیل محتوا در علوم اجتماعی و انسانی. ترجمه ن. سالارزاده امیری. تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی.

منابع انگلیسی

- Entman, R. (1993). Framing: Toward clarification of a fractured paradigm. *Journal of Communication*, 43, 51-58.
- Dearings, L.W. A. & Rogers, M.E. (1992). *Communiation concepts: Agenda Setting*. Thousand Oaks, sage.
- Ethicnet. (2015). *International Principles of Professional Ethics in Journalism*. Retrieved from www.ethicnet.uta.fi
- Laurel R. Van Maanen, J. (1990). *Writing Strategies: Reaching Diverse Audiences Qualitative Research Methods*. London.
- McCombs, M.E. & Ghanem, S. (2003). The convergence of agenda setting and framing, in S.D. Reese, O. Gandy, & A.E. Grant (Eds), *Framing public life* (pp.67-82).
- McCombs, M.E. & Reynolds, A. (2004). News influence on our pictures of the world. In J. Bryant & D. Zillmann, (Eds.), *Media effects: Advances in theory and research* (pp. 1-18). Mahwah, NJ: Erlbaum.
- Scheufele, D.A. & Tewkesbury, D. (2007). Framing, Agenda Setting, and Priming: The Evolution of Three Media Effects Models. *Journal of Communication*, 57, 9-20.
- Sheafer, T. (2007). How to Evaluate It: The Role of Story-Evaluative Tone in Agenda Setting and Priming. *Journal of Communication*, 57, 21-39.

پی‌نوشت‌ها

- ¹ K. J. Holsti
- ² Noam Chomsky
- ³ John Pilger
- ⁴ Ken Loach
- ⁵ Brian Eno

-
- 6 Jeremy Hardy
 - 7 Lasswel
 - 8 Dearing
 - 9 Rogers
 - 10 McCombs
 - 11 Shaw
 - 12 Fankovers
 - 13 Severin
 - 14 Tancard
 - 15 Shiafer
 - 16 Reynolds
 - 17 Shievifel
 - 18 Tewksbury
 - 19 Entman
 - 20 Ghanem
 - 21 Shiffer
 - 22 Ethicnet
 - 23 Lurl Richardson
 - 24 Jerome Bruner
 - 25 Berlson